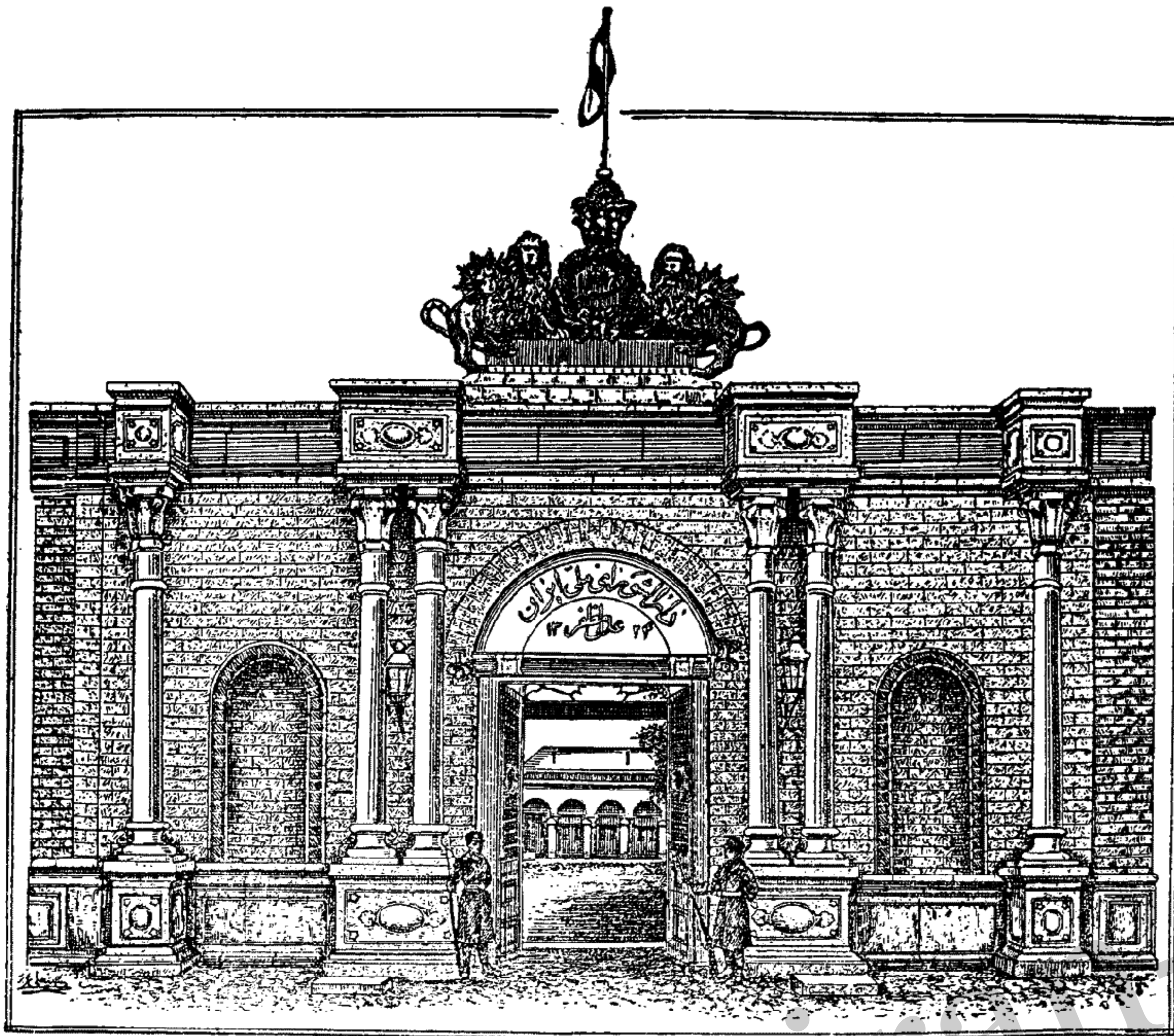


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۲۴۸</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۲۱۲</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه يك شنبه ۶ خرداد ماه ۱۳۰۷ مطابق ۷ ذیحجه ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره يك قران</p>

# فهرست مندرجات



## مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يكشنبه ۶ خرداد ماه ۱۳۰۷ مطابق ۷ ذیحجه ۱۳۴۶

### جلسه ۲۴۸

( مجلس دو ساعت و سه ربع قبل ازظهر  
بریاست آقای پرنیا تشکیل گردید )  
( صورت مجلس يوم قبل را آقای  
دولت‌شاهی قرائت نمودند )

غائبین با اجزه جلسه قبل  
آقایان : جمشیدی مازندرانی - آیت الله زاده خراسانی  
نگهبان - میر تقی - حیدری مکرزی - میرزا محمد تقی  
طباطبائی - امیر تیمور کلانی - آریاب کبکسر و شاهرخ

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی آقای جمشیدی	۴۴۸۹	
۲	شور کلی نسبت بخر کبیسبون قوانین مالیه راجع به اصلاح قانون کمیزی	۴۴۸۹	۴۵۰۸

افسر - آقا زاده سبزواری - محمد تقی خان اسعد -  
 مخبر فرهمند - آقا میرزا هاشم آشتیانی - بهار - امامی  
 خوئی - ثقة الاسلامی - جهانشاهی - لبقوفی - اسکندری  
 ملک آرائی - میرزا عبدالحسین کرمانی - ابراهیمی -  
 مولوی - سلطان محمد خان عسری -

غائبین بی اجازه جلسه قبل  
 آقایان اسدی : ذوالقدر - دکتر طاهری - اعظمی  
 قوام شیرازی - مهدوی - مقدم - عباس میرزا -  
 احتشام زاده کنج بخش - حاج حسن آقا ملک -  
 محمد ولی امیرزا - فرشچی - عدل - جوانشیر - میرزا  
 حسن خان وثوق - حاج غلامحسین ملک - محمودرضا  
 تقی زاده -

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل  
 آقایان : مرتضی قلی خان بیات - ملک مدنی - افخمی  
 دیر آمده کان بی اجازه جلسه قبل  
 آقای حاج میرزا حبیب الله امین  
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب  
 آقا سید یعقوب - بنده هم در صورت جلسه عرض  
 دارم و هم بعد از فرمایش آقای دکتر مصدق  
 رئیس - در صورت مجلس اعتراضی دارید بفرمائید  
 بعد نایباً باید اجازه بگیرید

آقا سید یعقوب - راجع به قرار داد نجاتی بنده يك  
 تذکری دادم وزیر مالیه هم جواب گفتند برای توضیح  
 بایستی این تذکر در صورت مجلس نوشته شده باشد  
 چون نبود میخواستم تذکر بدم اصلاح بشود  
 رئیس - اصلاح میشود. صورت مجلس ایرادی ندارد  
 (گفته شد خیر)

رئیس - خبر کمیسیون عرایض قرائت میشود  
 (شرح ذیل قرائت شد)  
 نماینده محترم آقای جمشیدی نظر بعه غیبت از اول  
 دوره تا تاریخ حرکت برای سرکشی امورات شخصی تقاضای  
 دو ماه مرخصی کرده اند کمیسیون اظهارات ایشان را  
 تصدیق با مرخصی دو ماهه ایشان از تاریخ حرکت موافق

اینک خبر آرا تقدیم میباید  
 رئیس - آقایانیکه این خبر را تصویب میکنند قیام  
 فرمایند.  
 (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. طرح قانونی راجع به تمیزی  
 مطرح است. آقای روحی  
 بطوریکه نمایندگان محترم مستحضرنه اصلا مالیات تمیزی  
 يك اشکالی در این مملکت پیدا کرده است که هر قدر  
 میخواهند اصلاح کنند نمی شود. و بالاخره يك مسئله  
 بفرنجی شده است برای جامعه. و بطوریکه بنده شنیده ام  
 سه میلیون بیشتر عایداتش نیست و پنج کرور که دو  
 میلیون و نیم باشد وزارت مالیه خرج این کار میکنند  
 ما آن کاری که به نفع جامعه است و واقعاً مردم باید  
 از او استفاده کنند نمیکنیم چرا اصلا این مالیات را  
 الغاء نمیکنیم؟ اگر چنانچه آقایان توجه فرمایند واز  
 مخارج غیر لازمی که در این مملکت میشود حذف کنند  
 و بجای آن این مالیات را الغاء کنند فایده اش برای  
 ما خیلی بیشتر خواهد بود. همه روزه می آیند و بدون  
 اینکه به این کار مطالعه کنند يك تغییراتی میدهند بسم  
 تمیزی و باز يك اشکالاتی تولید میشود همین اصلاحی که  
 در قانون به نفع يك قسمت مملکت است که شمال و  
 شمال غرب است و بضرر يك قسمت عمده از مملکت  
 است که جنوب باشد و بنده حاضر این را ثابت کنم  
 چیزیکه هست کمیسیون قوانین مالیه عم نخواستند اند  
 که دو نفر از نمایندگان جنوب را حاضر کنند و  
 از آنها بپرسند در آنجا چه طور عمل میکنند که آنها هم اظهار عقیده  
 کنند آنوقت فردا بنده و آقای آقا سید یعقوب و دیگران همه  
 به تیر ملامت موکلین خود مان گرفتاریم که يك همچو  
 قانونی از مجلس گذشت و ما متوجه نشدیم آخر مملکت  
 يك جهات اربعه دارد بنده ثابت میکنم که این قانون  
 به نفع شمال و بضرر جنوب است.  
 و الان دلائل خودم را ذکر میکنم هیچ چاره جز

اینکه ما این مالیات را لغو کنیم و در مقابلش يك  
 مالیات دیگری وضع کنیم. نداریم بنده می بینم غالب  
 وکلا با این طرح موافقت و دولت هم موافق است اما  
 علت چیست؟ برای بنده مجهول است. اغلب اشخاص  
 متمول هستند که معامله میکنند و صدی چهارده صدی  
 پانزده تا صدی بیست و چهار برخلاف قانون فرع میگیرند  
 و از این معاملات عمده که میکنند و فایده میبرند يك  
 شاهی بدولت نمیدهند. برای آنها هیچ گفتگوئی نیست  
 اما آنوقت نا آمد و بیست هزار تومان داد و يك ده  
 خرید فوری با انواع و اقسام و به صیغه های مختلف  
 ارزش مالیات میگیرند این همه گیاهها سرمایه دارها که  
 به انواع و اقسام منافع عمده میبرند یکدینار بدولت نمیدهند  
 بعلاوه از معارف مملکت و از تمام مؤسسات مملکت  
 استفاده میکنند و یکشاهی بهیچ صیغه مالیات نمیدهند  
 آنوقت آن رعیت بیچاره و آن طبقه زحمت کش به انواع  
 و اقسام ارزش مالیات گرفته میشود. بالاخره این مخالف  
 حکومت شوروی است بنده عقیده ام این است که باید  
 مجلس و دولت با يك ترتیب خاص يك مالیاتی برای  
 اشخاص متمول با اضعاف وضع کنند و طبقه زحمت کش  
 بدیخت و االی لایب معاف فرمایند امیدواریم که اخلاف  
 ما بیایند و بکنند آنچه که ما انتظار داریم. اما این  
 قانون و اصلاحی که در آن شده است معایب بزرگ  
 دارد که من جمله فرقی که مابین شمال و جنوب  
 گذارده شده است بنده اطلاع دارم و از جریان معاملات  
 بین رعیت و مالک مستحضرم در شمال تمام زحمت بارعبت  
 است بذر را رعیت میدهد، گاو را رعیت میدهد،  
 کود را رعیت میدهد، مالک فقط آب و زمین را میدهد  
 و يك حقی استفاده میکند ولی در جنوب این طور  
 نیست تمام مخارج با مالک است تخم را مالک میدهد،  
 گاو را مالک میدهد، آب و زمین را مالک میدهد،  
 آنوقت با این همه خسران و این همه ضرر و بدبختی باید  
 صدی نه عوائد خود را بدولت بدهد. در دهات همدان  
 و آذربایجان و عراق و در قسمتهای دیگر آنطوریکه بنده

اطلاع دارم این قانون يك قانون با صرفه است اما در قسمت جنوب  
 مخصوصاً یزد و کرمان و شیراز شاید اصفهان هم همینطور  
 باشد.

شیرازی - اصفهان هم همینطور است  
 روحی - اصفهان هم همینطور است و این قانون  
 بضرر يك مشت مالکین تمام خواهد شد و بالاخره آن  
 توجهی که نسبت به عمران و آبادی شمال شده بجنوب  
 نشده بنده از کرمان اطلاع دارم يك نفر مالک نیست  
 که سه ملک شش دانگی مثل شمال و غرب ایران داشته  
 باشد آنوقت این مالک بد بخت باید آب بدهد کاه بدهد  
 زمین بدهد. کود بدهد. بذر هم بدهد آنوقت صدی سه  
 هم از عایداتش کسر شود این بضرر اوست من مخصوصاً  
 استدعا میکنم از آقای مخبر محترم که توجه بفرمایند  
 و این قانون را پس بگیرند و بپزند در کمیسیون وکلای  
 جنوب را هم بخواهند و نظریات آنها را هم جلب کنند  
 که يك قانونی از مجلس بگذرد که فردا صدای مردم  
 بلند نشود این است عقیده بنده

فهمی - مخبر کمیسیون قوانین مالیه بنده مقدمه  
 باید يك مطلبی را خدمت آقایان تذکر بدم و آن اصل  
 سیم قانون اساسی است نماینده مجلس تنها نماینده  
 حوزه انتخابیه خودش نیست بلکه نماینده تمام نقاط  
 مملکت است و البته تمام اهالی مملکت مساوی هستند  
 و وقتی هم که قانون وضع میشود البته باید بحال همه  
 علی السویه باشد این قانونیکه برای تمیزی وضع شده است  
 بکلی مخالف این نظر است.

کازرونی - یعنی مخالف قانون اساسی است؟  
 فهمی - اجازه بفرمائید بنده عرایضم را عرض کنم  
 بلی همینطور که میفرمایند شاید برای یکی دو نقطه  
 مملکت مفید باشد ولی در عمل ملاحظه شد که يك  
 قسمت عمده مملکت یعنی قسمت حاصل خیز تر این  
 ضرر فوق العاده از این قانون میبرد یعنی از استراسادو  
 مازندران و تنکابن و کیلان تا حدود غرب که قسمت  
 حاصلخیز تر ایران است همه از این قانون فعلی متضرر

میشوند. ملاحظه بفرمائید در قسمت مازندران يك زمین برنج کاری را فرضاً بیست و پنج تومان میدهند یا بیست تومان میدهند مالک. چون رعیت تمام زحمات را میکشد و دویست پنجاه یا سیصد تومان از آنجا بر میدارد صدی سه و نیم عایدات کل آنجا که بازده تومان دوازده تومان می شود باید از سهم مالک داده شود تصدق بفرمائید این مبلغ نسبت به سهم مالک صدی پنجاه میشود حالا اگر در جنوب بواسطه این قانونیکه اصلاح شده مالکین يك منفعت بیشتری نمیبرند البته نمایندگان نباید راضی بشوند که يك قسمت عمده مملکت نصف عایدی خودشان را بدولت بدهند.

بعضی از نمایندگان - آزا اصلاح کنید. فهمی - اجازه بفرمائید این قسمتها را ما ملاحظه کردیم و نظریات نمایندگان جنوب هم ملاحظه شده است در آذربایجان بعضی قسمتها هست که مالک باید يك چیزی هم علاوه بر آن چیزی که میگیرد رویش بگذارد تا بتواند آن صدی سه و نیم را بدهد. در باغات مخصوصاً جری پنجهاز يك تومان مالک میدهند در صورتیکه صدی سه و نیم از کل عایدات همانطور که میفرمائید بقدری فایده دارد برای مالکین بجهت اینکه بعضی جاها تقسیماتشان صدی شصت و صدی هفتاد است بین رعیت مالک و اگر صدی سه و نیم را از کل بگیریم البته نسبت بصدی نه یا صدی هشت از عایدات مالک کمتر است. باید کاری کرد که این مسئله را اصلاح کرد اما نباید مقید بود که حتماً برای منفعتی که آنها میبرند يك جمعیت زیادی را در ایران متضرر کرد. در این مجلس دوسه قانون وضع شده است که در حقیقت اعتبارات ملکی را زیاد کرده است یکی قانون ثبت اسناد است که ملکیت اشخاص را ثابت میکند. یکی قانون مرور زمان است که میدانید بعد از مدتی دعای بر علیه املاک نخواهد شد یکی هم قانون خالصجات انتقالی است که مالکین آنها از شر آن راحت شدند. يك مرحله دیگر مانده و آن مسئله مالیات است. الان قیمت املاک شمال کمتر از آن مقدار است که سابق بوده بجهت اینکه مالیات را

اگر از روی صدی و سه نیم از کل عایدات حساب کنیم چیز دیگر برای مالک باقی نمی ماند که از روی عایدی قیمت ملک را معین کنند و اینکه فرمودند خوب بود نمایندگان جنوب را هم در کمیسیون میخواهند عرض مینمکنم ما نمایندگان جنوب را هم خوانسته ایم و با آنها هم مذاکره کرده ایم و چنانچه عرض کردم باید رعایت این مسئله را کرده همینطور که يك تبصره در ماده اول ذکر شده که مالکین متصدی رعیتی هستند تقسیماتش را باید در نظر گرفت و از روی سهم از مالیات آزا معین کرد ممکن است شرایط دیگری هم به آن علاوه کرد که اگر در بعضی جاها مخارج رعیتی از قبیل بذرگ و با مالک است آنها را موضوع کنیم ولی نمیشود گفت که مالیات تمام املاک را بهمان حالی که هستند نگاه بداریم. فرمودند که چرا در عایدات اشخاص مالیات نمی بندند. مالیات بر عایدات خیلی خوب است اما يك کار مشکلی است و نمیشود که بکنفر با دو نفر را در نظر گرفت و آنوقت تصور کرد که در تمام مملکت میشود با مردم اینطور معامله کرد عایدات اشخاص را کسی نتوانسته است صورت بردارد زیرا يك اصول جاری برای معاملات و تجارت در ایران نیست که بتوانند عایدات آنها را معین کنند و الا بنده هم میدانم يك شخصی هستند که در تجارت این مملکت مبتکرند يك منفعت مهمی هم میبرند و بکدبنار بدولت میدهند البته بایستی يك قانونی وضع کرد و يك مالیاتی در نظر گرفت ازین گذشته لایحه را که ابتدا دولت برای لغاء مالیات ممیزی پیشنهاد کرده بود مستلزم این بود که يك مالیات دیگری بجای او تصویب شود بعضی انحصارات بعضی عواید دیگری او برقرار شود يك فقره اش را کمیسیون قوانین مالیه و ایزت داد ولی متأسفانه مسکوت مانده بنابر این نمیشود يك مبلغ کلی عایدات دولت را ارزش صرف نظر کرد بدون اینکه جبران او از محل دیگری شده باشد. و اینهم که آقای روحی فرمودند که سه ملیون عایدی دارد و پنج کرویر خرج اینطور نیست عایدات املاک ازبای تقریباً پنج ملیون یا شش ملیون است. بودجه وزارت

مالیه آگر سه ملیون است سه ملیون منحصر به این مخارج نیست. يك ملیون و کسری بودجه کمرک است که مربوط به این نیست. و خارج از این است تقریباً يك ملیون دیگر برای اداره نخدید و دوائر مرکزی است وقتی حساب کنید برای این مالیات شاید قریب يك ملیون بیشتر باقی نماند.

مدرس - اشقباه میکنید دو ملیون است. مخیر - يك ملیون بیشتر خرج نمیشود. بنده عرض میکنم این هم زیاد است یعنی صد بیست برای مخارج این کار زیاد است. علت چیست. ؟ علت نبودن يك اصول ثابت و معینی است و همین اشکالاتیکه در نقاط مختلفه مملکت از حیث اجرای قانون پیش می آید. اگر ما يك قانونی وضع کنیم و ممیزی را بموقع اجرا گذاریم که تا ده سال لا قبل مالکین مطمئن باشند که دیگر متعرض آنها نخواهند شد بالاخره هم عایدات زیاد تر خواهد شد و هم مخارج کم میشود و مردم هم راحت تر خواهند شد ولی با این وضعی که حالا هست البته هم مخارج زیاد است و هم زحمت و هم عایدات دراز کسر میآید.

رئیس - آقای فیروز آبادی رئیس - اولاً بنده يك عقیده دارم که آن را عرض میکنم و آن اینست در مملکتی که مثل ایران باشد ما بایستی عایدات خودمان را از منابع طبیعی که داریم تهیه کنیم و صرف نظر از این مالیات ها و تخمیلیات بمردم بکنیم چیز گرفتن از مردم در واقع یک نوع تکدی است و امیدواریم این تکدی از مملکت ایران رفع شود از این نظر است که بنده مخالفم و امیدوارم که آقایان يك فکری بکنند که ما بتوانیم منابع طبیعی خودمان را استخراج کنیم و کار خالصجات وارد کنیم حالا از این گذشته ما میبینیم نوشته است املاکی که تحت قاپو شده اند بایستی مالیات بدهند بنده عرضم این است که بعضی ایلات هستند که ممکن نیست بروند در يك نقطه منزل کنند بجهت اینکه مال دارند حشم دارند هر روز باید در

يك نقطه بیلاق یا قشلاق مال وحشم خود را نگاهداری کنند و همینطور هم عادت کرده اند پس اینهایی که در بیابانها سرگردان هستند بایستی بیشتر مورد توجه و ترحم واقع شوند نه اینکه از اشخاصی که خانه دارند زندگانی دارند نگذیرند اما از اشخاصیکه در بیابانها سرگردانند چون خانه ندارند مالیات نگذیرند! حالا بعضی عرایض دیگر دارم که در مواد عرض میکنم

رئیس - آقای کازرونی بکنفر از نمایندگان - ایشان مخالفند کازرونی - بنده موافقم قبلاً بنده بایستی در اینجا جواب آقای فیروز آبادی و يك قسمت جواب آقای روحی را بدهم يك قسمت از این قانون که فوق العاده خوب و مهم است تحت قاپو شدن ایلات است که بوسیله وضع این قانون ممکن است ما باین مطلب و نتیجه نائل شویم این يك قسمت قسمت دیگر فرمودند که این مالیات بایستی گرفته شود بنده عرض میکنم مقصود جنابعالی هم تقریباً حاصل است نهایت این است که این مالیاتی که میگیرند گران میکنم تکافوء کند با مخارجی که برای وصولش لازم خواهد داشت در این صورت این مالیات فقط برای آن خوردن يك عده معدودی است برای مردم و مملکت مفید نیست از این جهت آسوده باشید چیزی عاید دولت نمیشود؟ عرض میکنم قدری دقیق شوید این برای مملکت برای آن دانی يك عده معدودی است بودجه اش اگر ضرری نکند نفعی هم ندارد. بالاخره بعد از آنکه جمع و خرجش را با هم مطابق کنیم توافق پیدا نخواهد کرد و اگر این مالیات را موقوف میگردیم و جان دولت بدبخت و مردم بدچاره را از شرش نجات میدادیم برای مملکت اصلاح بود و برای دولت هم نافع بود. اما در قسمت خصوصیتش. عرض میکنم از فرمایشات مخیر محترم که بنده صمیمانه خدمتشان ارادت دارم همچو معلوم شد که باید منافع و مصالح یکقسمت از مملکت را در نظر گرفت! یعنی يك قسمت از مملکت را حایه و یکقسمت دیگرش را بعداً! اینکه تقدی و عاجل است برای یکقسمت

آن قسمتی که وعده است برای آتیه. مگر شما آتیه قائل نیستید؟ مگر دنیا منحصر با امروز است؟ آتیه هم هست. عجالتاً جنوبی زیاد تر میدهد صدی چهار می دهد. صدی پنج میدهد اما شمالی صدی يك میدهد این جا را قبول کنید آخر خدای آنها هم کرم است. بعلاوه کدام زحمت و مشقت است که شمالی و جنوبی را با هم مساوی کرده است؟ نماه بدبختی و روزگار سباهی برای جنوبی بوده است در اینجا هم منظور باشد. عجالة ما این قانون را برای تأمین منافع یکعده از ملاکین میگردانیم. جنوبی یعنی چه؟ هوای جنوب بد است مردم جنوب هم زندگانیشان زشت است و لشان کنیند

رئیس - آقای کارزونی دوجا اسمندان ثبت است یکجا موافقید یکجا مخالف

کارزونی - بنده موافق بودم جواب آقای فیروزآبادی را دادم

رئیس - پیشنهاد آقای روحی (بترتیب ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که این قانون از دستور خارج شده و پس از اصلاح اساسی به مجلس عرضه شود.

رئیس - بفرمائید

روحی - عرض کنم همانطور که گفته شد تمام آقایان وکیل تمام مردم هستند و انصاف نیست که ما بنشینیم در اینجا و يك قانونی بنویسیم که به نفع شمال و بضرر جنوب مملکت باشد. ماهمه با این قانون موافقت داریم ولی این را ببرند در کمیسیون قوانین مالیه بنده راهم احضار کنند استدلالاً را خدمتشان عرض کنم اگر متقاعد شدند ماده اول را اصلاح کنند و با فاصله یکروز مجدداً میآید در مجلس و تمام میشود و بان عجله خوب نیست این قانون را گذرانند که به نفع دستة مخصوص و بضرر دستة دیگر باشد. بنا بر این بهتر این است آقایان هم با ما موافقت کنند که این قانون از دستور خارج شود تا در خارج رسیدگی کنیم. استدلالاً ما را بگوئیم و يك

قانونی نگذرد که تبعیض نشده باشد. از آنطرف هم نمیشود يك قانونی برای شمال و یکی برای جنوب علیحده وضع کرد و اینهم خوش آیند نیست برای حکومت شوروی استدعا میکنم آقایان رأی بدهند این برود به کمیسیون و در آنجا اصلاحاتی بشود بعد بجااید بمجلس البته ما هم موافق هستیم و رأی میدهیم.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم بنده میخواهم قدری مفصلتر خرف بزنم. اول آن منطق آقای روحی را تردید کنم. نگرانی جنابعالی از این حیث که اینقانون چه وضعیتی خواهد داشت مورد ندارد. برای اینکه اینقانون دوشوری است. خروج از دستور در قانون دوشوری معنی ندارد. در شور اول باستی عقابند نظریات فهم شود تا کمیسیون قادر باشد که آن قانون را بوقفی که بمجلس است اصلاح کنند. پس بنا بر این حالا که میفرمائید این قانون از مجلس شورای ملی برود بیرون باز با همان حال محمودش بر میگردد. زیرا کسی روی آن اظهار نظر نکرده و نظریات معلوم نشده و کمیسیون هم باز تعقیب میکند همان فکر اول را بنا بر این در منطق خود من نقص است و بهتر این است که خود آقایان موافقت بفرمائید که شور اول در این جا بشود چیزی را که بنده آمدم در این جا مفصل عرض کنم این است که این قیافه شک و جنوب خیلی بد است بنده بادآوری میکنم آن حرفی را که آقایان فهمی اظهار کردند يك نفر وکیل که به معنای طرف ملت است نباید تجزیه کند ملت را. بالاخره باید معنای اعم را بگیرد و برود جلو بنفع و ضرر هر کس شد بشود. بعلاوه این را جنابعالی فراموش نفرمائید تمام قوانین دنیا کاهی برای يك اقلیتی بضرر تمام میشود. شما که نمیدانید. بنده عرض میکنم این مسئله رای شمال در حکم اعدام است. يك مثال کوچک میزنم (حضرت آقای مدرس توجه بفرمائید)

مدرس - بنده که تمام را گوش میدهم دادگر - يك صورتی فرستاده اند از بارفروش (بنده

این مسئله را عرض می کنم بعد آقای کارزونی هر طوری صلاح میدانید قضاوت و اصلاح کنید) هزار و صد تومان عوائد يك مالکی است خورده مالک هم هست کاسب هم هست، چرا برای اینکه از گندم و ینبه و شلتوک و ارزن و جو و کلبه روئیدنی ها بمالکین چیزی نمیدهند و منحصرند از شالی میگیرند از شالی هم يك قسمت قلبی میگیرند و هر چه عایدی او است حاضر است عشر یا ربعش را زبابت این مالیات بدهد حالا این جا شما میخواهید صدی سه و نیم از کل عایدات بگیریید حساب صحیح کرده باید پنجهزار تومان بدهد برای تمام آن چیز هائی که متروک مانده و نمیگیرد و حالا صدی سه و نیم مجموع عوائد و مجموع روئیدنیها را حساب کرده ایم و این شخص باید پنجهزار تومان بدهد یعنی هزار تومان عوائد را باید چهار هزار تومان هم نگذارد رویش و بدولت بدهد باید برای این کار چاره اندیشی کرد و فکری کرد که برای دولت و مردم ممکن الاجرا باشد و يك مسئله دیگری هست که بنده توجهشان را بان جلب میکنم و آن مسئله مطالعه و تقییش در عوائد صدی سه و نیم است بنده عرض میکنم خود جنابعالی که از حیاة جنوب هستید و بنده هم خودم را وکیل جنوب میدانم از قول موکلین شما عرض میکنم که آنها راضی هستند که ضعف بدهند و مأمورین دخالت در زندگانیشان نکنند. شما آن مسئله که شکایت فلاح را تولید کرده است باید از پیش بردارید و آن رفتن مأمورین مالیه و مطالعه در عوائد است. این را بنده از طرف موکلین خودم میگویم. ممکن است مالیات را ضعف قرار بدهند. ما چك صندوق میدهیم بروند از بانک بگیرند ولی دخالت در زندگان آنها نکنند بنا بر این آقایان بدانند که این مسئله برای آنها مهیب و مشکل است برای شما اگر کم نفع است برای جماعتی دیگر اعدام است. اگر این را حضرتعالی با قیافه يك وکیل عمومی مطالعه بفرمائید تصدیق بفرمائید که خارج شدن این قانون از دستور برای مملکت نافع نیست

و بهتر این است خود آقایان موافقت بفرمائید که در این جا مذاکره شود و در شور دوم هر اصلاحی میخواهید بفرمائید.

رئیس - آقایان که پیشنهاد آقای روحی را تصویب میکنند قیام فرمائید

(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. آقای دهستان

دهستانی - اولاً بنده از آقایان خواهش میکنم که در قانون مجزی وارد در عملیات مالک و رعیت نشوند که رعیت و مالک چطور با هم معامله میکنند. برای اینکه تقسیماتی که ما بین مالک و رعیت است يك تقسیمات مرضی الطرفین است. یعنی هر رعیتی وقتی وارد ملکی شد و تقسیمات آنجا را فهمید بمقتضای خودش وارد زراعت میشود. پس در قانون مجزی این قسمت بیچاره رعیت بیچاره مالک را کنار بگذارید. اگر این داد را بخواهید بزنید بنده باید بیشتر این داد را بزنم. اما در قسمت جنوب و شمال همینطور که آقایان فرمودند گمان میکنم در قانون مجزی نباید گفت جنوب کجا است و شمال کجا. زیرا نمایندگان محترم عموماً هم وکیل جنوبند و هم وکیل شمال. یعنی خوب نیست گفته شود که من وکیل جنوب هستم.

روحی - کی گفت؟ عمل اینطور است

دهستانی - عرض کنم در دوره پنجم يك عمري تلف شد از برای قانون مجزی و تقریباً دو سال است که این قانون عمل میشود و بالاخره عیوب این کار فهمیده شده. امروز نمایندگان محترم يك اصلاحی بنظرشان رسیده پیشنهاد به مجلس کرده اند و عیوباتی که در قانون مجزی است آنها همین لایحه رفع خواهد شد و از آقایان تمام میکنم که پیشنهاد خروج از دستور بفرمائید. نوقصی که در دوره پنجم حاصل شد از برای قانون مجزی این بود که دکتر میلپواز نقطه نظر اینکه عایدات و تقسیمات صحیحی این مملکت نداشت اظهار میکرد که مالیات این مملکت باید متحد الشكل باشد و همه وقت اعضاء کمیسیون

پیشنهاد کردند که تقسیمات این مملکت متحد الشكل نیست که ما بر کل عایدات مالیاتی وضع کنیم. این بود که بر حسب پیشنهاد ایشان این قانون مری تصویب شد و در نتیجه معلوم شد که يك زحمت فوق العاده ما بین رعیت و مالک تولید کرد. از جمله زحمانی که ما بین مالک و رعیت هست این است که در بقسمت از مملکت مالک نصف عمل میکنند. این مالک صدی سه و نیم مالیات میدهد. در نقطه دیگر از صد خروار ده خروار میبرد. از آنهم میخواهند صد سه و نیم بگیرند و این يك تبعیض و بی اعتمادی حاصل میکنند. در این اصلاحی که شده نوشته شده از عایدات مطابق مالکانه صدی نه گرفته شود. حالا آقایان این را زید میدانند صدی هفت میکنند. کم میدانند اظهار کنند صدی ده باشد. پس مخالفت با این قانون که امروز يك مشت مردم را دره ضایقه دارد مورد ندارد. حالا اسم مخصوص نمیبریم. اطلاعات خودم را عرض می کنم در شهریار از بیست تومان عوائد مالک دوازده قران و دهشاهی میگیرد از او هم صدی سه و نیم میگیرند رقیقی که خوب حساب کنیم می بینیم که مالک از آن چیزی که بابت جریب باغات میگیرد باید يك چیزی هم برایش بگذارد و تصدق بفرماید که این وضعیت وضعیت گوارائی نیست در این صورت وقتی مالک دید این تحمیل را باید بکشد به رعیت اظهار میکند نظر باینکه نوشته شده از کل عایدات تو هم بیا از سهم این کار مالیات بده و تصدق میفرماید که وقتی باید برای سهم کار مالیات قائل شویم که از آن عمله روزی سه چهار قرانی هم مالیات بگیریم. پس در این قانون نظر مجلس هیچوقت این نبوده که از سهم کار مالیات بگیرد اصلاحی که در این قانون شده است این است که بالصراحه مینویسد از عایدات مطلق مالکانه. و قعاً قضایا و کشمکش نه ما بین رعیت و مالک است رفع میشود و از روی سحت و عوائد مالکانه مالک مالیات میدهد بعضی از آقایان فرمایش میکنند که این رعیت بیچاره را بچینیم و ازش

چیزی بگیریم بده همان میبندیم که این حرف ها خوب نیست آقایان اگر این نظر را در نظر بیاید منیع عایداتی از برای مملکت حاصل کنند برای این است که خیلی شرم آور است که گفته شود بودجه مملکت ما بیست و پنج میلیون یا سی میلیون است بودجه مملکت ما بیست و دوست میلیون باشد آقای فیروز آبادی میفرمایند که ایلات جا ندارند بنشینند چیزی که ما در این مملکت زهد داریم آب است و خاک بفرماید که ما مشغول زراعت شویم آنها میل ندارند. آقا کدام رعیتی است که از بنده بیشتر حشم داشته باشد؟ بنده شایسته است که از بنده بیشتر داشته باشم. کدام رعیتی است که در فیروز آباد بیشتر از جناح علی حشم دارد؟ هم عوائد دولت میدهد و هم مال و حشمتن زندگی میکنند. اهل بغدادی ساعتی که از سائوه حرکت میکنند از برای قسمت زنجون يك مشت زراعتی را که مردم مهرز خون دل نهی کرده اند تمام را گوسفند میچرانند و خسارت وارد می آورند. آقایان باید وقت صرف کنند و کاری کنند که ایلات تحت قایو شوند یعنی مشغول زراعت شوند که مشغول بعضی حرکات زشت و خسارت رساندن به مملکت بشوند خلاصه بنده از آقایان استدعا میکنم که لطفی کنید که این مسئله قانون ممیزی با این اصلاحی که شده است تصویب شود که رفع زحمت از جمعی مردم شده باشد

ریس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده کاملاً توجه داشتم به این مخالفت و موافقت ها ولی بالاخره درد مطلب را بیان نکردند. يك فرمایشان آقای دادگر اظهار کردند يك بیاناتی هم آقای مخبر فرمودند باید حقیقه مجلس شورای ملی قلم اساسی بردارد که نگویند مجلس کار کرده است. يك ترتیب مالیاتی سلطی سال در مملکت ما جاری بوده است. ما میخواهیم بگیریم این ترتیب غلط است آنوقت شما میگویید مداخله میشود در حق مالک و رعیت آقا. اینها خارج از وظیفه ما است وظیفه ما اصلاح کردن مالیات است مالیات را باید از چه و از کی

گرفت؟ باید از يك چیزی گرفت که نقصان بآن چیز وارد نمی آید. حالا شرح میدهم. آقایان عالماند توجه بفرمایند. جنس عوائد زمین ازینج عامل حاضر میشود آب و زمین و نخم و گاو و کار. از کار و نخم نباید مالیات گرفت. چرا؟ برای اینکه آب و زمین تحلیل نمیرود و آن مالیات رعوائد است. در واقع آن چیزی که عقلا و دانیان قدم برداشته اند از برای اصول مالیات این است که مالیات از چیزی گرفته شود که به تحلیل نرود و آن عوائدی است که هر سال مراب میشود. بکنفر از ملاکین میگفت زمین همیشه آسین است. این محصول را که ما برداشتیم باز آسین است برای محصول دیگر. باید مجلس شورای ملی کاری کند که جنوب و شمال و غرب و شرق تمام در تحت این معنی در آید که وضع مالیات بر چیزی باشد که آن چیز تحلیل نرود و آن کدام است آب است و زمین. آب و زمین در دست کیست؟ دست هر کس هست باید مالیات بدهد. حالا این جا صد سه صد سه صد پنج هر کدام را ملاحظه کنید این فزیده ندارد. بیائید اصل وضع مالیات را اصلاح کنید و بر آب و زمین قرار بدهید. این قانون و قانونی که در دوره پنجم نوشته شد هیچیک از این دنیا قانون ملاحظه این نکته را نکرد. اگر کرده بود این قانون باین محظورات بر نمیخورد. در این جا بنده خودم در فشار کاغذ ملاکین آذربایجان هستم. ملاکین آذربایجان يك هیئت نه نفری دارند شاید همه آقایان هم کاغذ نوشته باشند هر هفته کاغذ مینویسند که ای داد ای بیداد مملکت از دست میرود. یعنی ده نومان دخل ما کمتر میشود. از آنطرف داد و بیداد و فریاد ملاکین جنوب بلند است. این برای این است که شما به اصل موضوع بر نخورده اید. اصل موضوع را شما در این جا وارد شوید. بنده عرض میکنم دولت باید استفاده کند از يك محلی که مالیات بر آن محل تعلق گرفت آن محل تحلیل نرود. معنی ندارد که از رعیت و برزگر مالیات بگیریم. باین معنی که از کاری که میکنند

مالیات بگیریم. هیچ نمیشود که ما بیاییم از کاو یا از نخم که بکلی از بین میرود مالیات بگیریم. پس خوبست بیاییم وضع مالیات را بر آب و زمین بکنیم آنوقت در تمام مملکت علی السویه هر قراری که میخواهید بدهید وقتی که اصل حکومت شوروی کاملاً واقع شده آذربایجانی شکایت میکنند و نه ماها که نماینده جنوب هستیم شکایت میکنیم. در اینجا برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم وضع ملاکین و رعیت در قسمت جنوب يك شکل است. در طرف آذربایجان و شمال غربی يك ترتیب دیگر. در طرف ما این طور است که آب و زمین را مالک میدهد کاو و نخم و کار با رعیت است. آن وقت ترتیب ما بین مالک با رعیت این است که در بعضی جاها يك قسمت مالک است دو قسمت رعیت چرا؟ چون کاو و کار و نخم را رعیت میدهد آنوقت قیمت میکنند دو قسمت را رعیت میبرد يك قسمت را مالک این قسمتی که مالک ببرد مال آب و زمین است در این قسمت گفته شد صد سه بدهند. در آذربایجان این جور نیست. در آنجا نخم و گاو را ارباب میدهد آب و زمین را هم ارباب میدهد آنوقت اینطور که ما قرار میدهیم نفع برای ارباب است چرا برای اینکه اگر ده يك هم آمدیم گرفتیم در این ده يك باز نفع برای او است. در صورتیکه در آنجا آمده ایم مالیات را بر آب و زمین و گاو نخم قرار دادیم. (آقای وزیر مالیه. آقای مخبر توجه کنید) حقیقه يك کمیونی تشکیل بدهید و يك اصول و اطلاعاتی در اینکار تأسیس کنیم و در نظر بگیریم که مالیات را از آب و زمین بگیریم و کار و بذر را بکلی خارج کنیم. يك مالیات واحد صد سه در تمام مملکت باشد هیچ اشکالی وارد نمی آید و الا این را شما بفرمائید بنده هم قبول میکنم در طرف مازندران و آذربایجان و گیلان اجرا میشود اما در فارس و کرمان اجرا نمیشود. چرا؟ برای اینکه ضرر صرف است برای رعیت و رعیت از بین میرود. نایب میشود. ما باید يك کاری کنیم که در تمام مملکت

نظر ما عنی السوبه و یکسان باشد چطور میتوانیم بیاییم یک قانونی بگذرانیم که بنفع ملائین یک طرف و بضرر ملائین جوی دیگر است. دولت هم نباید نظر دیگری داشته باشد. اما اگر وضع مالیات بر آب و زمین باشد دولت هم حق دارد چرا که امنیت میدهد به آب و زمین و چون امنیت میدهد باید مالیات بگیرد. ولی نسبت بکاو و نخم نمیشود زیرا زمین میرود. این است که نه در این قانون و نه در قانون سابق این رعایت شده است و باین ترتیب هم عملی هم نمیشود. دو مرتبه هم بگذرد باز زحمت دارد. غیر از گرفتن یک اصل مساوی در تمام مملکت چاره دیگر ندارد.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم بنده در باب خروج از دستور که مطرح بود یک مقداری از مطالب را در آنجا گفتم ولی حالا سعی میکنم که منظم تر حرف بزنم شاید بتوانیم یک حقیقی برسیم. غالباً تعصب آدم را از عدالت دور میکند. این بالاخره یک مسئله است که در خیره و نهاد بشر است. حالا بنده در قسمت خودم مثال میزنم در مازندران که حوزه انتخابیه بنده است برای این که موکلین بنده یک حرف ها و یک مسائلی از بنده شنیده باشند که مطلقاً صورتش درست است در این جا میگویم ولی وقتی وقت میکنیم می بینیم که در حقیقت و معنی بویک است بنده در این جا استدالات آقا را نفهمیدم اینکه قانون قدیم بر قانون جدید مرجح است نفهمیدم هیچکس نگفت که به جنوب چه ضرری ربه شمال چه زبانی میرسد. بالاخره بنده این قاعده را نسخ میکنم و میروم روی دلائل استدلال میکنم. هر کدام استدلالهای ما قاطع تر بود آن طرف قانع میشود بنده این جا یک مثال کوچک زدم اولاً میخواهید قانون اجرا بشود یا نه؟ البته میخواهید که اجرا شود و ممکن الاجرا و خوب بشود. باید با عدالت و با تساوی باشد این مسئله را ممکن است تحقیق بفرمائید در مازندران در آذربایجان و بالاخره

مازندران را بهتر میدانم زیرا استشهدام در محل خودم بیشتر است در مازندران عیادت یک مالک اریک مالکی هزار تومان است اگر مالیات صد سه و نیم بر تمام عوائد بگیرند و بر مالک تحمیل کنند میشود چهار هزار تومان میفرمائید یک وجه حل بنظر میرسد آن این است که بنشینند مابین مالک و رعیت قرار بگذارند تبانی کنند که این زیان جدیدی که عاید مالک میشود رعیت را هم بهره بدهند هر کسی که به اوضاع مملکت علاقه مند است این کله را تقوه نمیکند هر کس به عیادت و رسوم رعیت آشنا است این را تصدیق میکند بنا بر این ماحصل از این اقدام این میشود بنده در باب شمال استدلال میکنم این استدلال بنده را توجه کنید اگر این حریف بنده متعهد است قبول کنید و لا تحقیق بفرمائید. دولت عیادت املاکشان مال رعیت است و مالک مثل یک مباشری است اما مالیات با بدهد مالک بدهد و این عملی نیست این مسئله منافی است با آن نظری که در مجلس هست برای رفیع حال مردم. یک کله هم اینجا گفته میشود این که راه هم درش بحث کنیم. بنده به معدودی کار ندارم ولی بطور کلی میگویم آقا مردم کمترین العائله هستند. میدانم چطور شده یک خلق خوئی در ما هست. بالاخره بکنفر کمی که دوهزار تومان عیادت دارد بیست نفر عائله هم دارد ولی تنها آن شخص مباشر را هدف قرار میدهند این پول به بیست سهم تقسیم میشود. مالکین کل هم در واقع و نفس الامر خورده مالک هستند. بالاخره شما با آن لرد ها که هتل و منزل دارند و عوائد املاک خودشان را از یک بانکی به بانک دیگر استقلال میدهند تطبیق نکنید اینها شوخی است؟ کیست آن مالک عظیم الشان که سه چهاره ملک شش دنگ دارد؟ این بیچاره بالاخره یک عوائد مختصری دارد و با یک وضعیت کثیفی خودش را اداره می کند. این نظر را تعدیل بفرمائید تا قدری نزدیک تویم. عرض کردم و چیزی که مردم از این مجلس شورای ملی میخواهند

و یک علاقه را هم دارند این است که مأمورین دولتی طوری انتخاب شوند که مردم از مزاحمت آنها برکنار باشد. هر سال بکنفر مأمور مالیات نمایند آنها برود و عوائد سال و عیادت محل آنها را احتساب کنند و آنها را بزحمت ببندازند. حتی ما در خالصجات انتقالی خیال کردیم بموکلین خود مان کمک کردیم ولی بعضیها بنا می نویسند که آقا ما راحت بودیم حالا آمده اند در زندگانی ما مداخله میکنند ما حاضر بودیم که بکنفیری بیشتر بدهیم که به این زحمت ثانوی که تحقیق و تفقیص است بر نخوریم. بعلاوه برای مراجعه کردن و اینکه صد سه و نیم عیادت یک مالکی چقدر است آقا میدانند که چه بانی باز میشود و چه اشکالاتی تولید میشود. بنا بر این خود بنده خیال میکنم که بکنفر آدم رضا میدهد که یک چیزی زیاد تر بدهد و جان خودش را از این مشقت راحت کند. بعلاوه این مسئله یک طبقاتی را در شمال و شمال غربی از بین می برد. برای اینکه اینها باید ضعف عیادتشان را مالیات بدهند این مسئله شوخی نیست. این را بنده اختراع نکرده ام حالا آمدید فرمودید جنوب متضرر می شود ولی تعبیراتی که در این قسمت شد بنده نفهمیدم خواهش میکنم یکی از وکلای جنوب توضیح بدهند که چطور جنوب متضرر میشود. از نفعش میبکاهد؟ ما میگوئیم آن طبقه از زمین میروند. شما میفرمائید یک کسی در نفعش نقص پیدا میشود. شما نمیتوانید برای حمایت از مافع بعضی یک طبقه را محو کنید. بالاخره بنده تکرار میکنم که این مالیات صد سه و نیم برای مازندران که ما نمابنده او هستیم غیر قابل پرداخت است بعلاوه رجوع زندگانی رعایا در این مملکت زحمت تولید میکند. شما اینها را در نظر بگیرید آنوقت کلمه جنوب و شمال را صرف نظر بفرمائید و یک حکم کلی و عمومی در این کار اجرا کنید

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - آقایان تصدیق بفرمائید که بنده موضوع ندارد داخل جنوب و شمال بشوم. فعلاً تمام مملکت از

هر نقطه نظری حساب کنیم بیش بنده و همه آقایان مساوی است. در اینجا اگر فقط صحبتی از جنوب کردند برای اینست که ضرر این قانون در جنوب محسوس تر است و الا بنده در اینجا خدمت آقای دادگر هم عرض کردم که شمالیها هم در ضرر این اصلاحی که شده است بی بهره نمی مانند منتها حالا یک چیزی بنظر آقایان آمده است و اصلاح می کنند اما یکسال دیگر بضررهایش بر خوردند آنوقت. باز اصلاح میکنند. همیشه عیب قوانین ما هم همین است که یک دسته یک طبقه یا یک اشخاصی تصور میکنند که اند که چون یک قانونی بمنافع یک جمعیتی که آنها در نظر گرفته اند اصطکاک دارد باید نوعی کرد که آن اصلاح بشود و وارد اصلاحش میشدند و فکر اساسی نمیکردند بعد دو مرتبه دچار اشکال میشدند. حالا عوض اینکه بخودمان زحمت بدهیم و یک قانونی را راجع بنفع شمال یا جنوب اصلاح کنیم باید یک فکر اساسی بکنیم برای مملکت. استدعا دارم آقای دادگر التماس بفرمائید. بالاخره بنده تصدیق میکنم یک عده در مجلس بوسیله شکایات موکلین خودشان و یک طبقه ای احساس کرده اند که گرفتن صد سه و نیم از کل عیادت بضرر یک اشخاصی است و شروع کردند به اقدامات و طرح قانونی تهیه کردند و از اول مجلس اقدام کردند حالا هم آورده اند مجلس. این را بنده تصدیق میکنم که بضرر یک عده بوده است ولی در عین حال این اصلاح هم بضرر یک عده خواهد بود فرمودید دلیل گفته شود حضرتعالی خودتان از اول تا آخر دلیل نکشید. فقط از منافع و محسنات این قانون یک ذکر کردید ولی نمیفرمودید دلائلش چیست ولی بنده دلائل خودم را عرض میکنم. بنده عرض میکنم این قانون بضرر خرده مالک و بنفع عمده مالک است. هم در شمال و هم در جنوب منتها باین دلائلی که عرض میکنم در جنوب بیشتر بضرر خرده مالک است و در شمال کمتر. خرده مالکین در این مملکت تصدیق میکنید که همه چیز بعهده خودشان است، زمین بعهده خودشان است، آب

عهده خودشان است، وسائل زراعت و تخم را خودشان میدهند و بالاخره کار را هم باید خودشان بکنند اما عمده مالک در طرف شمال اینطور نیست. در شمال شاید هشت عشر عمده مالکین صاحبان اراضی دیم هستند یعنی نه نهمه قنات کرده اند نه زحمت برای کشیدن آب کشیده اند نه اراضیشان را باید کود بدهند و عمل بیاورند فقط يك قنل جبالی است در يك نقطه از آذربایجان یا در کردستان که يك شخصی میگوید من مالک اینجا هستم. این را میدهد بيك رعیتی آن رعیت باید تخم بدهد و خلاف عقیده یکی از رفقا که مافرمودند گاو و تخم با مالک است. اینطور نیست. گاو و تخم و وسائل زراعت با رعیت است البته آنجا صد هفتادش را باید بدهند بآن رعیتی که بعقیده بنده همه اش را باید باو بدهند اما در جنوب اینطور نیست در قسمت کرمان یا زردیا اصفهان و کاشان و نطنز و اردستان و تمام این خطه خشک ایران که بعقیده بنده اگر آقايان موافقت فرمایند و از روی ادله که بنده عرض میکنم بکلی مالیات آنجا را حذف کنند بنده موافقت میکنم هر جور در طرف شمال بخواهند مالیات بدهند. برای اینکه در آنجا بکنفر مالک چهل هزار تومان خرج می کند يك قنات می کند. چاه می کند شصت ذرع عمق دارد تا این که به اندازه آب دادن يك جریب زمین در شبانه روز آب نهمه کند. باید برای بیست تومان محصول ده تومان کود خرج کند تا محصول عمل بیاید. این دو قسمت را نمیشود با هم تطبیق کرد. آقای شریعت زاده هیچوقت یاد ندارند که برای نهمه آب در املاک مازندران صد دینار خرج کرده باشند برای اینکه خداوند هر روزه باران رحمت از آسمان بهشان میدهد و محتاج بنهمه قنات نیستند اراضی شان هم هیچوقت کود لازم ندارد. زراعت آنها فقط این است که بروند يك تخمی بپاشند بعد از شش ماه هفت ماه بروند ده برابر چهل برابر محصول جمع کنند ولی در اصفهان یا کرمان اینطور نیست قطع نظر از

اینکه باید برای يك جریب زمین این کار هزار گدازه محصول اصفهان تخمی پنج تخم است، تخمی هفت تخم است مثل محصول استرآباد تخمی هفتاد تخم و هشتاد تخم نیست. اینها دلائل بنده است. اینجا دو فقره استدلال است که طرفین میکنیم. باید خود آقای دادگر وجداناً و انصافاً قضاوت کنند و بعد حق را به یکی از طرفین بدهند. یکی اینکه همه برای رعیت سنگ بسینه میزنیم. بنده این را میگویم آقای دادگر هم همین را می فرمایند. ما باید ببینیم حرف کدام حسابی است بنده میگویم رعیت بدبخت ایشان هم میگویند. بنده عرض می کنم این بضرر خرده مالک است که همه چیز را باید خودش نهمه کند و بنفع آن مالکی است که جز دادن يك قسمت اراضی حاصلخیز استرآباد یا مازندران هیچ خرج ندارد. حالا به بینیم بنده راست میگویم یا رفقای مخالف. یکی هم دخالت دولت در عمل ارباب و رعیت است. این را هم طرفین میگوینم که آقای دادگر دولت را میخواهید دخالت بدهید در تقسیم ارباب و رعیت؟ حالا این را بنده بطریق دو دوتا چهارتا عرض میکنم. ما میگوئیم دولت بیاید از محصولی که از زمین بیرون میآید صدی سه و نیم بگیرد و برود و هیچ حق اینکه دخالت کند و نه بیند حق مالکانه در این ده چقدر است یا در ده دیگر چقدر است ندارد. رعیت و ارباب خودشان میدانند. چون هنوز در مملکت ما يك قانون قوی در این موضوع موجود نیست. و اگر دولت بخواهد دخالت در سهم ارباب و رعیت بکند تولید يك زحمتی میکند برای مردم. دولت باید ببیند محصول يك زمین صد سه و نیمش چقدر است او را حساب کند و بگیرد. رعیت و ارباب مطابق معمول قدیم هر محلی هر طور که دلشان میخواهد با هم قرار میگذارند این عقیده ما است و میگوئیم این دخالت خوب نیست برای اینکه در اصفهان ما دهی داریم که در هر سه دانگش يك جور معامله میکنند همینطور ده بده فرق دارد، بلوک یا بلوک، شهر بشهر فرق دارد. در شمال

هم هست. در يك ده می بینید دو سه جور معامله می کنند آنوقت شما که میگوئید از عایدات مالکانه بگیرید البته باید دولت تحقیق کند، مفتش بفرستد و بفهمد عایدات مالکانه چقدر است عایدات آن یکی را هم باید بپرسد و بالاخره دولت مجبور است وارد زندگانی اشخاص بشود و ببیند مالک با رعیت چه جور معامله میکند تا عایدات مالکانه را بفهمند. عرض کرده حالا آقايان از روی يك احساساتی ممکن است موافقت کنند و يك دلائلی بیاورند و رأی هم بدهند و ما هم مطیع اراده رفقا باشیم ولی یقین دارم که همین رأی آقايان سبب میشود که یکسال دیگر اگر آن قبل از دستور شروع شود بعد طرح قانونی عقب سرش قانون را تغییر بدهیم چرا؟ برای اینکه دولت آمده است دخالت میکند و میگوید تو چرا صد هفت از رعیت میگیری و میخواهی بمن کم بدهی؟ با آن یکی زیادتر میگیرد. بالاخره دخالت در زندگی فردی اشخاص خواهد شد دلائل زیادتری هم هست ولی بنده برای اینکه سهم بساز رفقایم بدم که بیایند و دلائل خودشان را بگویند به همین قدر قناعت میکنم ولی عقیده شخصی بنده بهمان دلیل که در ابتدای عرایض عرض کردم این است که ما در عوض اینکه بیائیم و يك قانونی بضرر يك دسته یا منافع يك دسته یا يك گوشه مملکت بخواهیم بگذاریم باید يك فکر اساسی بکنیم برای تمام مملکت که هم شمال راحت شود هم جنوب و این يك فکری است که از اول در این مجلس بنده و آقای حائری زاده که اینجا تشریف داشتند و خیلی از رفقای دیگر معتقد بودیم که در این مملکت با این مأمورین و با این وضعیت باید مالیات ارضی ازین برود. شما بیائید امروزه يك مالیات عادلانه را که بشر ترجیح داده تمام مالیاتها وضع کنید و باید تسهیلاتی اجرا کنید شما مالیات بر عایدات را بگذارید جای این مالیاتهای غلط که هر قدر اصلاحش کنید باز خراب است. شما خودتان الان فرمودید. آمدید برای مردم بیچاره زحمت خالصات انتقالی را رفع کنید

الان اسباب زحمتشان شده برای اینکه ما هر قانونی که بگذاریم اجرائش وسائل میخواهد. فرشته که ندارند از آلمان بیاورند، همینها هستند که در این مملکت هستند پس خوب است مالیات بر عایدات را از روی اصول عرضه و تقاضا آنها با يك تسهیلاتی که مجلس شورای ملی قائل شود جانشین این قرار بدهید وقت مجلس را هم تضییع نکنیم شمال و جنوب را هم اسم نبریم. برای تمام مملکت هم نافع است و عایدات سرشار هم دارد

خبیر - يك قسمت از فرمایشات اخیر آقای شیروانی راجع بود بالغای مالیات ارضی و بر قراری عوائد دیگر در اینجا اصل مطلب را اگر بخواهیم ملاحظه کنیم همان است که آقای آق سید یعقوب فرمودند. آب و خاک مال عموم است. از اول اسلام و از اولی که خلقت شده ایم اینطور بوده است. آب و خاک مالک ندارد مال عموم است. هر کس در او عملیاتی کرد البته حق عمل دارد عموم هم که مالیات میدهند از بات آب و خاک است. پس بهترین مالیاتی که اساس قانونی برایش میتوان فرض کرد مالیات بر آب و خاک است. دولت آمد يك قانونی در دائره سابق وضع کرد و در ضمن عمل دیدند که تولید يك زحمتی کرد و بالاخره قسمت شمال از این قانون متضرر میشوند بنده هیچ عرض نمیکنم که ملاحظه ضرر قسمت دیگر مملکت نشود ولی آقايان باید ملاحظه ضرر این قسمت شمال را هم بکنند و يك ترتیبی در نظر بگیرند که هم رعایت این طرف شده باشد و هم رعایت آن طرف نه اینکه بگوئیم چون این طرف متضرر میشود قسمت دیگر را همینطور باید در زیر تخمیلالات نگاه داریم. در ضمن اجرای این قانون مثلاً ملاحظه شد که باغات مطابق کلیه املاک اگر بخواهند مالیات بدهند یعنی صد سه و نیم از کل خیلی متضرر میشوند و مالکین باغات يك مبلغی هم باید دستی بدهند. در اصلاحی که ما در اینجا کردیم باغات را تغییر دادیم و صد پنج قرار دادیم نه صد هشت و صد نه. مثلاً قسمت اغنام و احشام و مواشی که از مالیاتهای



است که فوق العاده اسباب زحمت همان طبقه رعیت و زحمت کش است این اصلاحی که شده مالیات آنها را بکلی موقوف کرده است که بکلی ملغی شود و از ایلاتی که نخت قاپو میشوند بگیرند. اما قسمتی را که آقای شیروانی اظهار کردند که در اینجا تفکیک سهم مالک از رعیت اسباب ملاحظه میشود این طور نیست قضیه بعکس است آنچه تا بحال معمول بوده است در این مملکت از چندین سال قبل تا بحال مالیات را از سهم ارباب میگرفته اند سهم رعیت هر چه بوده است کنار میگذاشته اند و از سهم مالک میگرفتند ولی قانون جدید از عیدت کل معین کرده است و این مسئله تولید یک اختلافی مابین ارباب و رعیت کرده است و زیرا همه چه اربابها میخواهند مالیات را از کل بردارند و بعد میگویند حالا باید تقسیم کنیم رعیت هم زیر این را بگیرد و میگوید قبلاً باید سهم من را بدهید حالا که شما مقید میکنید از کل بردارند بعد رعیت و ارباب خودشان میدانند این حرف را مانیاید بزنیم باید بگوئیم که مالک باید مالیات بدهد بدیهی است مالیات را کسی میدهد که انتفاع میبرد یک حقی میبرد کاو و بذر و اینها از عواملند و نباید مالیات بدهند قانونی که ما برای اینکار داریم این راه را بسته و در مواقع معینه مالکین میتوانند اجحاف کنند و حرفشان صحیح است زیرا میگویند... مخصوصاً در بعضی قسمتها میگوید با این ترتیب که شما معین کرده اید من نصف عایدات را مالیات باید بدهم. ملک من نه خالصه است نه چیزی خوب البته او هم رعیت فشار می آورد. این است که ما هم ناچار شدیم قید کردیم باید از سهم مالک بدهند حالا کار نداریم که تقسیم مابین آنها چیست. هر چه میخواهد باشد. تصره هم که در ماده بعد ذکر شده پیش بیفتی این قسمت را کرده است حتی در جاهائی که خود مالک متصدی امر رعیتی است باید مطابق معمول محل سهم او معین شود و از آن سهم مالیات بگیرند.

پس در این قانون جدید برخلاف قانون سابق سعی شده است که تفکیک شود مابین سهم رعیت و سهم ارباب برای اینکه مالیات سهم ارباب تعلق میگیرد. در هر حال اینها یک مسائلی است که قابل مذاکره است در ضمن شور مواد. ولی اساساً در اینکه قانون ممیزی فعلی یک زحمت و اشکالات دارد گمان نمیکنم آقایان مخالفت داشته باشند اما باید در مواد پیشنهاد بفرمایند که یک قسمت هائی مالیات تعلق بگیرد یا کمتر باشد. اینها را باید طوری اصلاح کرد که هم از نقطه نظر کلی رعایت حال مملکت شده باشد و هم قانون اصلاح شود.

رئیس - آقای باستانی

باستانی - مذاکرات مفصلی از طرف موافقین و مخالفین راجع با اصلاح این قانون شد ولی ما به اختلاف مربوط باین موضوع آنطوری که مینویست گفته شد و کلای قسمت شمال و غرب ایران شاید راضی باشند که باین ترتیب اصلاح شود ولی وکلای جنوب و شرق ناراضی هستند. چون وکلای شرق حاضر نیستند و عده شان کم است شاید آقای حاج امین و زوار و پور تیمور که چند نفر بیشتر حاضر نیستند توبت بانها نرسیده والا آنها هم اظهارات خودشان را دائر بمخالفت میگردند. حالا علت مخالفت ماها با اصلاح باین طرز چیست؟ و علت اینکه آقایان میخواهند اینطور اصلاح کنند چیست؟ هر دو حق داریم و بعقیده بنده راه حل هم داریم سر صد هفت و صد نه نیست. شکایت از این نیست. اینکه گفته میشود که ما میخواهیم وارد تقسیمات زراعی شویم مطلب این طور نیست. اصلاح آن چیزی که باعث آوردن همچو طرحی به مجلس شورای ملی شده است این است که تقسیمات زراعی در مملکت مختلف بوده و باعث شکایت آذربایجانها و غیر ذلك شده. ملائک آذربایجان هم نظور که آقای آقا سید یعقوب فرمودند بخود بنده هم کراً شکایت کرده اند شکایتشان را هم دارم. ملائک آذربایجان و شمال حق دارند ما هم حق داریم که مخالفت می کنیم. شمالیها چه اعتراضی دارند به این قانون؟ می

گویند زراعت در مملکت چند جور منقسم می شود در یک قسمت پنج یک است. چطور پنج یک است؟ چهار قسمت زارع و رعیت میبرد یک سهم مالک. در یک قسمت مملکت کاملاً برعکس است یعنی چهار قسمت از پنج قسمت را مالک میبرد و یک قسمت رعیت

جلائی - با مخارج

باستانی - البته با مخارج و غیره ولی سهم آدم با سهم گاو یکی نیست. در یک قسمت مملکت سه قسمتی است دو نلک رعیت میبرد یک نلک مالک. در یک قسمت کاملاً بعکس است جاهش را هم الان بنده عرض میکنم. در آذربایجان اینطوری که ما بشنویم تقسیمات همان سه قسمتی است دو نلک رعیت میبرد مخارج هم با رعیت است یک نلک مالک. در خراسان قضیه معکوس است دو نلک مالک میبرد یک نلک رعیت. حق آنها البته نامعالم میشود. در کردستان تقسیم زراعی اینطور است که در پنج قسمت چهار قسمت رعیت میبرد یک قسمت مالک. در دامغان قضیه معکوس است چهار قسمت مالک میبرد یک قسمت رعیت. آذربایجانها چه شکایت دارند؟ میگویند شما نوشته اید صد سه و نیم از کل عایدات از سهم مالکانه در اینصورت این مالیات تعلق میگیرد باین یک نلکی که سهم مالک است و این یک نلجمبلی است زیرا دو نلک عایدات از مالیات معاف است فقط تعلق میگیرد بیک نلک سهم مالک. حق هم با آنها است. و این یک نلجمبلی زیادی است. چرا اینطور است؟ چون تقسیم زراعتش این است. برای اینکه رعیت خودش عهده دار گاو بندی است و چون بذر و مخارج و اینها بعهده او است این است که به چوقت زیر بار نرفته است. شما هم که قرار داده اید از سهم مالکانه گرفته شود. باین جهت مالکین شاکي هستند. اما ما که شکایت داریم از این طرز اصلاح این است. تعمیه هم نیست. دو دو ناچار نماند. شما میگوئید صد نه از سهم مطلق مالکانه. همان مثالی که بنده زده آذربایجان و خراسان را بمقالمه و طرف مقابسه قرار میدهم به بینیم نتیجه چه میشود

فرض میکنیم یک دهی در خراسان هزار تومان عایدی مطلق مالکانه اش است. این چقدر مالیات هس تعلق میگیرد؟ مطابق اینقانون بحساب اینکه دو نلک مالک میبرد یک نلک رعیت از هزار تومان عایدی هفتصد و خورده سهم مالک میشود و صد نه هفتصد و پنجاه تومان را باید حساب کرد. پس در خراسان از یک ده که هزار تومان عایدی دارد جزو جمعش اینطور است که دولت صد نه از هفت صد و پنجاه تومان را بگیرد ولی در آذربایجان قضیه معکوس است. صد نه را از سیصد و پنجاه تومان باید حساب کرد چرا؟ برای اینکه آنجا مالک نلک میبرد. شما میگوئید (سهم مطلق مالکانه) سهم مطلق مالکانه خراسانی دو نلک است. سهم مطلق مالکانه آذربایجانی یک نلک است. در جزو جمع تفاوت پیدا میکند. شخصی کار نداریم. باین ترتیب یک ده در خراسان مالیات میدهد از روی هفتصد و پنجاه تومان. و سیصد و پنجاه تومان از مالیات معاف میشود و برعکس نقطه دیگر از سیصد و پنجاه تومان مالیات میدهد. فرض بفرمایید در قسمت کردستان و دامغان که معکوس تقسیم میکنند. یک مزرعه که دو بیست تومان عایدات دارد از این دو بیست تومان در کردستان سهم مالک میشود. چهل تومان صد نه چهل تومان در کردستان میگیرند اما در دامغان سهم مالکانه صد و شصت تومان است و شما مطابق این قانون صدی نه از صد و شصت تومان را میگیرند. عمل دو ده در کردستان و دامغان فرضاً دو بیست تومان است از این ده می گیرند از صدی شصت عایدات. از آنجا میگیرند از صد چهل عایدات که کاملاً معکوس است. خیلی غریب است! آنجا از یک ده دو بیست تومان مالیات صد نه بچهل تومان تعلق میگیرد در پنجا به صد و شصت تومان. در هر صورت شکایت آقایان مازندرانی و استرآبادی و ولایات غرب و آذربایجان اینها است. در اظهارات آقای شیروانی هم بنده نخواهم وارد بشوم که زراعت تقسیمش در مملکت چطور است چشمه سار تفاوتش با قنات چیست. قنات بزه و کرمان مخارجش چقدر است. اینها یک قسمتهای کوچک

و اصلاحات جزئی است اگر بخواهیم وارد شویم زیرا همانطور که زراعت در جنوب زحمت دارد البته در شمال هم دارد. شالی کاری را اگر آقایان به بینند که آن زحمتی بدبخت چطور کار میکنند تصدیق میکنند که زحمت آنها خیلی بیشتر از زراعت است و جو و این چیزها است. در هر صورت نمیخواهیم وارد این قسمتها شویم. فقط عرضی که ما داریم این است که شما بیایید يك قیدی در این قانون بکنید و ماده اول را بنویسید صد نه یا صد هشت یا صد هفت هر قدر دلتان می خواهد. از بابت سهم عایدی خالص مالك كه تعلق بسم آب و ملك دارد آن وقت در تمام مملکت يكی می شود برای این که ما مالیات بر خرج نمی بندیم بر گاو و بذر هم که نمیخواهیم مالیات ببندیم بر عایدی آب و ملك میخواهیم مالیات ببندیم. این قید را در این قانون بکنید که هر چه مالیات وضع میشود در هر دهی تعلق بگیرد به سهم آب و ملك آنوقت با اختلاف تقسیماتی که در مملکت است آنقدرها تفاوت حاصل نمیشود و ما هم اینجا به سر هم نمیزنیم حالا که آقایان راضی هستند پس این قید را بکنید ما هم موافقیم و آنوقت تفاوتی در جنوب و شرق و شمال حاصل نمیشود یعنی سهم مطلق مالکانه معنایش این است که این مالیات تعلق بگیرد بر آب و خاک آنوقت درست میشود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - چون عده برای رأی کافی نیست تنفس داده می شود.

( در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیمساعت مجدداً تشکیل گردید )

معاون وزارت فوائد عامه - در موقعی که لایحه سندبکا در مجلس تصویب شد قانون پنج میلیون تومان بموجب تبصره که بآن قانون اضافه شد لغو شد و يك مخارجی بود که باید بشود و چون بواسطه الغاء آن قانون نمکن نشد آن مخارج بشود لهذا این لایحه که

برای بعضی مخارج و اعزام يك عده محصل به خارجه است تقدیم میشود که برود بکمسیون وزیر مالیه - چند فقره لایحه است که تقدیم میکنم یکی راجع به برقراری شهریه برای یکی از اعضاء ادارات که در سر خدمت تلف شده يك لایحه است برای اجازه فروش سه هزار و پانصد ذرع مربع زمین واقعه در شهر شیراز که مزائده گذارده میشود یکی راجع بمؤسسات رهنی است یکی هم راجع به اعتبار مستحکک وزارتخانهها است يك لایحه هم هست راجع به تکمیل قانون که از مجلس گذشت راجع بخريد خانه برای سفارت خانه در سه نقطه مهم باریس لندن و آنقوره و اجازه اینکه در بودجه ۳۰۸ و ۳۰۹ نهی برای پرداخت آن باقیاط بشود - يك قانون دیگر است راجع به بلديه رئیس - گفته شد مذاکرات در کلیات کافی است مدرس - کافی نیست - بنده مخالفم و اجازه خواسته بود.

رئیس - بفرمائید

مدرس - چون حقیقه این يك مسئله خیلی مهمی است و در واقع باقیات صالحات این مجلس است به عقیده بنده اگر آقایان اجازه بدهند که در این باب قدری صحبت داشته شود خیلی خوب و بموقع است. بنده هم اجازه خواسته ام. استدعا دارم آقایان اجازه بدهند که بنده در این باب قدری مذاکره کنم تا بلکه انشاء الله در ضمن این قانون را با اصلاحات بدهیم یا اینکه بصورت بهتری اصلاح کنیم. لهذا اگر اجازه داده شود که بنده عرضم را عرض بکنم خیلی بموقع است.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - ما همه موافقیم که آقای مدرس فرمایش خودشان را بفرمایند ولی چون نوبت سایر آقایان است و اگر بنا شود به ترتیب مذاکره شود امروز نوبت باباشان نمیرسد خوب است سایر آقایان

نوبت خودشان را به آقای مدرس بدهند تا مطالب ایشان گفته شود و مذاکرات هم کافی شود.

رئیس - رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند ( کسی قیام نکرد )

رئیس تصویب نشد. آقای مدرس

مدرس - عقیده من این است که ما هر خدمتی که در نظر داشته باشیم باین مملکت بکنیم چه برای اقتصاد، چه برای سیاست، چه برای دیانت. باید يك کاری بکنیم که این مملکت رونق آفادی برود بنده گمان میکنم تمام این مقاصد بسهولت درست شود و صورت بگیرد. ولی مادامی که این مملکت خراب است و مبنای خرابی هم بی بضاعتی مردم است اصلاحات آنطوریکه لازم است نمیشود و چون این مملکت يك مملکت زراعتی است ما باید راجع باین موضوع يك قدمهائی برداریم البته يك کارهائی در نظر بوده و هست و کام این است که همه آقایان ملتفت هستند. یکی از آن کارها این بود که ما خالصجات را بفروشیم. خالصجات انتقالی را هم که اصلاح کردیم و انشاء الله الرحمن این خالصجات را هم اصلاح خواهیم کرد. ولی یکی از کارهای مهمی هم که باید اصلاح کرد مسئله مالیات ها است. این مالیات که منتهای اسباب خرابی است. در دو دوره مجلس دوره چهارم و پنجم خیلی افکار متوجه این مسئله بود. يك قانون میزبانی هم از مجلس گذشت ولی الحق و الاصاف از جهاتی با مشکلات برخورد الان هم آقایان این لایحه را پیشنهاد و مطرح کرده اند این هم بعقیده بنده يك اشکالاتی دارد و باید اصلاح شود. اگر چه نواقض را بنده عرض خواهم کرد ولی در این دوره ششم در اول دوره يك کاری مجلس کرد که به عقیده بنده خدمت خیلی خوبی بود و آن الغاء مالیات اصناف بود. بجهت اینکه يك چیز خیلی مختصری عاید دولت میشد ولی ضررهائی خیلی زیادی متوجه مردم و افراد ضعیف این مملکت میشد. خاطر آقایان شاید باشد که يك وقتی کمرکات ایران يك وضعیت خاصی داشت

و از هر شهری کمرک می گرفتند بنده خوب بخاطر دارم که این ترتیب خیلی اسباب زحمت مردم میشد تا آمدند کمرک را مرکزیت دادند در سرحدات و با این ترتیب هم عایدات دولت زیاد شد و هم زحمت مردم کمتر شد الان هم این مالیات ارضی که میگویند پنج میلیون عایدات دارد بطور قطع به عقیده بنده دو سه میلیون خرج دارد خیلی بیشتر از آنچه عاید دولت میشود برای مردم زحمت دارد. باید در این موضوع يك فکری کرد که رفع دردسر از مردم بشود و زراعت هم ترقی کند برای این مقصد به عقیده بنده بهتر این است که موقفاً ما این مالیات را موقوف کنیم. تا ببینیم چه نتیجه میدهد. چون عقیده ما این است که مهیا امکان مالیات را از جایی اخذ کنیم که طرفیت مأمورین دولتی به افراد کم شود. و از طرفی هم البته هر چه مخارج مملکت است باید افراد این مملکت بدهند. حالا که مخارج پنجاه کروار است مردم میدهند. اگر پانصد کروار هم باشد باز باید اهل این مملکت بدهند فرق ندارد. بالاخره مخارج هر مملکتی را اهل خود آن مملکت باید بدهند. منتهی باید حسابش را کرد از کدام طرق باید این مالیات را از مردم گرفت که هم عایدش زیاد باشد و هم زحمتش برای مردم کمتر باشد. مطلب این است. این مالیات ارضی که فعلاً گرفته میشود برای دولت عایدی زیادی ندارد برای مردم هم زحمت است. هر کدام از شما ها که ملك دارید خوب ملتفت شده اید. اگر چه بنده خودم ملك ندارم ولی از حيث اتفاق زحمت ملك داری کشیده ام و میدانم. الان این موقوفه که در دست بنده است بعضی املاک در سال خمس عایدات دارد. بعضی دو خمس و در غار و فشافویه نصف عایدی دارد. غرض این است که بنده از هر سه چهار جور ملك و طرز عایدی آن اطلاع دارم. اگر چه توفیق رفیق بنده است که هیچ ملك ندارم ولی از باب اتفاق از هر سه قسمتش خبر دارم و میدانم دولت چطور معامله میکنند با مردم و چطور

اسباب زحمت مردم میشود لهذا بنده عقیده ام این است که اگر دولت و مجلس در این مسئله موافقت کنند و این مالیات را موقوف کنند يك خدمت خونی باین مملکت کرده اند. اینکه میگویم موقوف کنند البته در این مملکت اشخاص بصیر و مطلع هستند و همه نظر اصلاحی دارند و این کار را مرور میکنند ولی در دوره ششم اگر این خدمت به مملکت شود در واقع مثل این است که این مملکت از فقر و مردم را از عسرت نجات داده باشند. ما باید از برای این چند ملیون عایدات مالیات ارضی يك مخفی پیدا کنیم که ضررش برای مردم کمتر باشد ولی با این حال موافقم به ممیزی ممیزی را را باید کرد نسبت آنرا هم باید تهیه کرد منتهی باید عمل نکرد. بجهت اینکه وضعیات دنیا همه روزه فرق میکند شاید يك وقتی برای ما اتفاق بیفتد مثل اینکه در جنگ عمومی آن اتفاق افتد و عائد غیر مستقیم و گمرک ما خیلی کم شد پس ما باید این کتابچه ها و صورت ها را داشته باشیم تا بتوانیم در موقعش استفاده کنیم ولی عملاً باید يك فکری برای این مالیات کرد این است که بنده عقیده بنده اگر آقايان موافقت بفرمایند دولت و وزیر مالیه هم موافق باشند با این مالیات را لغو کنند و جزی آن محل مناسب تری بگذارند با این که اقلاً اصلاح کنند و پايه را روی میزان دو خمس عایدی قرار دهند که در تمام سر ناسر میزان دو خمس را بگیرند تا هم از روی عدالت رفتار شده باشد و هم بین جنوب و شمال فرقی نشده باشد، حالا بیانش چیست؟ بن مطلب ملازم این است که ما مالیات را باید از آب و زمین بگیریم. نه از عایدی بذر و کار ما از عایدی بذر و کار. ما از بذر و گاو و کار مالیات نمی خواهیم. از آب و زمین می خواهیم. اگر حساسیت را بفرمائید همین مازندران که از بیست خروار برنج رعیت بازده خروار میبرد همان يك قسمتش که بمالك میرسد از بیست زمین است باقیش از بیست زحمت دیگر است و از آن قسمتی که راجع بآب و زمین است دولت

حق دارد. آن قسمتی که مربوط بکار و زحمت خود رعیت است باید مال خود رعیت باشد. و دولت مستحق همان مالیات چهار پنج خرواری است که از بیست زمین باید ببرد. زمین عدس دارد، نخود دارد، لوبیا دارد، هر چه دارد رعیت خودش زحمت کشیده و اینها را کاشته باید مال خودش باشد. و دولت باید عایدی واقعی زمین را ببرد پس اگر آقايان موافقت بفرمایند و از آب و زمین عشر بگیرند غیر از املاك دیمی و مازندران که آب رودخانه اش بمنزله بران است و نباید خمس بگیرند اگر از همه جا خمس و در خمس بگیرند با این ترتیب گهنا هم این است. که نه شمال و نه جنوب و نه مازندران هیچ جا اجحاف نشده و از روی عدالت مالیات بسته میشود پس اگر آن پیشنهاد اولیه مرا قبول بفرمائید در کمیسیون حاضر شوید بنده و هم اگر صلاح بدانید حاضر میشوم در آنجا مذاکره می کنیم بلکه يك محل خوبی برای این چهار ملیون پیدا کنیم و اگر آنرا صلاح ندانستید و خودستید این لایحه را بگذرانید بموجب يك ماده واحده عایدات بر آب و زمین قرار دهید و يك عشر بر مجموع عایدات مالیات به بندهید آنها در غیر دیم و در قسمت دیمی و رودخانه های دائمی خمس بدهید.

دشقی - خمس ز عشر  
مدرس - بله نصف عشر. جهتش هم این است که در آنجاها آب رطبی بمالك ندارد. و عشر در جاهائی که قنات آب و امثال قنات آب است گرفته شود دیگر صد هفت و صد هشت و اینها هیچ فلسفه ندارد

وزیر مالیه - خطر آقايان مستحضر است که اساس قانونی که چندی قبل از این مجلس گذشت و باسم قانون ممیزی یا باصطلاح مالیه مالیات بر املاك ارضی تصویب شد در نتیجه يك نارضایتی ها و يك مشاهدات نامطلوب بود که از اوضاع مالیات سابق پیدا شده بود در صورتیکه جزو جمعی که قبلاً معمول بود چیزی بود که خود مردم بآن عادت کرده بودند و در واقع

جزو عادات بود و عادت هم در قست های مالیاتی یکی از عوامل مؤثر است ولی بواسطه اینکه خود این جزو جمع ها مبنی بر يك ممیزی بوده که این ممیزی سابقین دراز و ازمنه قبل بعمل آمده بود و اوضاع مملکت هم فرق کرده بود حقیقتاً لازم بود در آن تعدیل هائی بعمل آید. فکری که در این قضیه هادی دولت و مجلس شورای ملی بود این بود که يك قانونی بگذرد که يك تعدیلی در صورت مالیاتها فراهم بیاید. و يك اجحافات و تعدیاتی هم که از سابق تولید شده بود بر طرف شود و در ضمن هم البته يك عوائد زیاده داری بدوات عاید شود. این فکر ها بود که وضع آن قانون را ایجاد کرد. ولی مسلم است که فکر اصلی و اولی مسئله تعدیل و رفع بی رویه گئی هائی بود که در کار بود. در این ضمن ها يك فکر دیگری خیلی جریبن داشت و آن این بود که طرز مالیات و مالیات گیری طوری شود که خیلی ساده تر باشد بطوریکه حتی المقدور کمتر بین مأمورین دولت و مردم تماس پیدا شود. و عوائد مملکتی هم زودتر و سهل تر بحیطه وصول در آید. در نتیجه این افکار قانون ممیزی و مالیات بر املاك ارضی از مجلس گذشت که صد سه و نیم از کل محصول بود. در آن موقع البته آقای مدرس بخاطر دارند که بین خود ما که در مجلس بودیم وزمندان وقت و اولیاء امور يك اختلافی در این ماخذ موجود بود. عده زیادی بودیم و عقیده داشتیم اگر نای عایدات را روی کل محصول قرار ندهند سهل تر و بهتر باشد. ولی دلایل اقامه کردند و با فشاری کردند تا بالاخره ما هم موافقت کردیم. نظر دولت و در آن موقع این ترتیب را قبول کردیم که مبدل شود به صد و سه نیم و این ترتیب متفق علیه همه شد. ولی آن قانون يك موعدی داشت که حداکثرش دو سال بود و این موعد هم برای این پیش بینی شده بود که ممیزی هائی که لازمه اجرای این قانون است در سر ناسر مملکت بعمل آید ولی در ضمن عمل چه در موقع ممیزی و چه در موقع وصول مالیات بواسطه همین مسائلی که آقايان اینجا

تذکر دادند اختلاف پیدا شد. و این اختلافات هم ناشی از اختلافاتی بود که در تقسیمات بین مالک و رعیت در نواحی مختلفه ممالک معمول بوده از این جهت اجرای این قانون به مشکلاتی برخورد. و مرور در آن مطالعه کردیم و برای دولت مسلم شد که در این قانون اصلاحی لازم است. و طرق مختلفه که همیشه در نظر بود و در اطراف آن هم مذکره میشد همه تحت مطالعه در آمد و اتفاقاً این ترتیب مصادف شد به موقعی که خود بنده متصدی امور مالیه شدم. مطالعاتی قبلاً شده بود. مطالعاتی هم در موقع تصدی بنده شد. و بالاخره با رعیت جمیع نکات حاضر شدیم که يك لایحه بمجلس پیشنهاد کنیم و آن لایحه هم از طرف دولت تقدیم شد که لایحه وضع مالیات بر عایدات است که در نتیجه وضع مالیات بر عایدات این مالیات ارضی را از بین ببریم. زیرا عایدات اعم است. خواه از زمین باشد خواه از محلهای دیگر. در هر حال بموجب آن لایحه عایدات اشخاص مأخذ و مبنای مالیات قرار می گرفت. منتهی برای اینکه تسهیلی هم شده باشد و مالیات ارضی عملاً لغو شده باشد و این نظر هائی هم که حالا آقا تذکره دادند تحت مطالعه در آمده باشد و تک شده باشد بین نظریات ما آمدیم و يك عیزاتی از عایدات را از مالیات معاف کردیم که در عقم مقایسه شاد هفت دهم از مالیات ارضی این مملکت مشمول آن معافیت واقع میشد و آن قسمتهای زراعتی که مقصودشان کمک به زراعت و فلاح است معاف می شدند.

و در حقیقت معافیت بر سنج عایدی ارضی قرار نمی گرفت بلکه بر کم و زیاد عایدی قرار میگرفت اینهم يك اصلی است که البته تصدیق میفرمایند خیلی عادلانه است. البته ما که این لایحه را تهیه و تنظیم کردیم از نتایج قطعی آن اطمینان قطعی نمی توانستیم داشته باشیم برای اینکه این طرز يك طرز جدیدی بود که تا کنون هیچ وقت در مملکت عمل نشده بود و يك احصایه های صحیحی هم که در مملکت ما موجود نیست از این جهت ما

نمی توانیم بگوئیم که این ترتیبی را که وضع کرده ایم و مقرر می داریم چقدر عابدی دارد. از این جهت و برای اینکه در عبادات تقصاتی حاصل نشود باید این عمل را توأم کرد بیک با دو عمل دیگری که هر یک در مقام خودش یک محسناتی دارد. من جمله یکی انحصار آریک است که از مسائل خیلی خیلی مهم است. و آقایان در نظر دارند که نسبت مالیات غیر مستقیم این ترتیب انحصار بطور اکل و اوفی خوب است. مخصوصاً نسبت به تریاک که هم عوایدش زیاد است. و هم بزراعتش نخبیلی وارد نیاید و هم نجاتش محفوظ بماند. و این ترتیب اگر حمل به مبالغه نشود مبالغه خیلی زیادی عابدی خواهد داشت ما این ترتیب را تحت مطالعه گذاشتیم ولی برای این که خوب در اطراف آن وقت شده باشد و این کاری که به عقیده ما راساً خوب است. این لایحه در کمیسیون قوانین مالیه مورد بحث واقع شد و مورد نگرانی واقع شد. بعضی از آقایان دلائلی اقامه کردند و یک ارقام صحیحی را طالب شدند و یک مطالعات بیشتری را خواستند و چون ما هم خواستیم نظریاتمان را تکمیل کنیم و استدلالات خودمان را محکم تر کرده و یک ارقام صحیح تری را عرض کنیم از این جهت مطلب همینطور ماند. یک قسمت از آن لایحه مربوط به مسئله خالصه انتقالی بود که بطور جداگانه به مجلس آمد و تصویب شد. راجع به قسمت انحصار هم از طرف کمیسیون قوانین مالیه با تغییر ماهیت و شکل یک خبری تقدیم شده ولی این را باید عرض کنم که آن خبری که تقدیم شده با نظر اصلی دولت تطبیق نمیکند. ولی قسمت مالیات بر عبادات که اصل مطلب بود ترتیبش همین بود که در ضمن تاریخچه عرض کردم و این عرایض برای این بود که مطلب بر آقا و سایر آقایان دیگر روشن شود.

سابقاً یک طرحی به مجلس پیشنهاد شد و به کمیسیون فرستاده شد راجع باصلاح قانون مصوب روی پایه که فعلاً این خبر تقدیم شده. بنده چون دیدم موعد دو سال دارد

منتضی میشود و بیستی در ملکات ترتیب وصول مالیات متوازن نباشد و باید طرفین معامله که دولت و مردم هستند نظریه مستقر و ثابتی معامله خودشان را در روی پایه معینی قرر دهند و چون تصور میکردم که باید مالیات بر عبادات باین دوره نرسد و تصویب نشود بدون اینکه دولت از عقیده خودش صرف نظر کند و بدون اینکه بگوید آن لایحه را استرداد میکنم تنها مساعدتی که بنده با نظر آقایان پیشنهاد کنندگان می توانم کنم (چون این قانون را موقتی میدانم و اساس مالیات را روی همان مالیات بر عبادات میدانم) ولی برای اینکه موافقتی عم کرده باشم قبول میکنم که یک رژیم دیگری برای مالیات ارضی برقرار شود که ضرر و خسارتی برای مالیات عمومی نداشته باشد و زحماتی هم برای مردم نباشد علی الخصوص در این موقع که سال عمل و سال مالیاتی و بودجه ما تازه شروع شده و باید موازنه و تعادل جمع و خرج ملکمان را از حلال شروع کنیم از آقایان نمایندگان در یک همچو موقعی خواهش میکنم که از پیشنهاد کردن صد هفت و صد فلان صرف نظر بفرمایند زیرا اگر نخواهیم یک تقلیلی در این مورد قائل شویم و مطابق آنچه که هست عمل نکنیم یک ضرری بخزانه وارد میشود حالا چون در این لایحه یک اختلاف نظرهایی موجود است. بنده در زمینه مالیات بر عبادات با هر نظری که از طرف آقایان اظهار میشود مخالفتی نخواهم داشت بلکه تکلیف دارم که موافقت کنم. برای اینکه سیاست دولت و نظر دولت بر روی همان لایحه ایست که تقدیم کرده ام. در این لایحه هم اگر زمینه موافقتی بین خود آقایان حاصل شود که وسائل سهولت را فراهم نماید و نظر بنده هم از حیث عابدی تامین شود هیچ مضایقه نخواهم داشت. فقط استدعائی که در این دارم این است که هر کاری که می خواهید بفرمائید باید سریع باشد. برای اینکه نظر به تاخیری که در ممیزی شده ما الان مجبور شده ایم همان قانون عمل کنیم. چون تا وقتی که یک قانونی از طرف مجلس نگذشته باشد و بد

دولت ابلاغ نشده باشد ما ناچاریم مطابق همان قانون مصوب موجود که در دست است عمل کنیم پس برای بنده در این کار نزاعی نیست و هیچ مؤدی هم اجازه نمیدهم که تصور یک نزاعی در قانون بکند زیرا بر طبق همان قانونی که در دست ما هست عمل خواهیم کرد و اگر یک تاخیری هم تا بحال شده بود راجع باعتبار ممیزی بود که آنهم چند روز قبل تصویب شد. از اینجهت بنده مجبورم بطور علی الحساب عمل کنم و تصدیق هم بفرمایند که معاملات علی الحسابی خوب معاملاتی نیست و مالیه که پایه و اساس روی کار محکم باشد چه از حیث وصول و چه از حیث مخارج از معاملات علی الحساب باید احتراز کند. زیرا این روبه یک روبه ایست که اشکال زیاد تولید میکند. حالاکه آخر جلسه است و این قانون هم که امروز تصویب نمی شود. از اینجهت بنده تقاضا میکنم که در ضمن این فرصتی که در بین این جلسه تا جلسه دیگر خواهند داشت راجع باین مطلب عطف توجه کنند و در کمیسیون قوانین مالیه حاضر شوند. آقایان اعضاء کمیسیون نظر

دولت را میدانند. خود بنده هم اگر لازم باشد حضور بهم میرسانم آقایان هم تشریف بیاورند و مذاکرات لازمه را در آنجا میکنیم بلکه انشاء الله موفق شویم هر شکلی باشد یک راه عملی پیدا کنیم بشرط اینکه آن نظریه بنده هم محفوظ بماند در اینصورت هر نظری انحاء شود بنده حاضر. موافقت کنم

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده

نمایندگان - صحیح است

رئیس - پیشنهادی هم راجع بدستور رسیده است (شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای بدر

پیشنهاد میکنید که خبر کمیسیون بودجه راجع شهریه آقا میرزا لطف علی صدر جزو دستور جلسه سه شنبه شود.

رئیس - رأی به پیشنهاد آقای بدر می ماند برای جلسه بعد

بعضی از نمایندگان - صحیح است

مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد